

دادگاه صالح در رسیدگی به جرایم نشریات دانشجویی

کیومرث کلانتری^۱

وحید بذآر^۲

چکیده

نشریات دانشجویی، نشریاتی هستند که به وسیله دانشجویان اداره می‌گردند. جامعه، این افراد تحصیل کرده و اظهارات آنها را که عموماً بدون مزد و نفع شخصی در این نشریات فعالیت می‌کنند، به خاطر وجهه اجتماعی‌شان به راحتی می‌پذیرد و در برخی موارد تأثیر این نوشته‌ها بر مردم بیشتر از نشریات عمومی سراسری خواهد بود. ولی در مقابل دایره‌ی فعالیت نشریات دانشجویی، قشر محدودی از مردم را در بر می‌گیرند. رسیدگی به جرایم مطبوعاتی، براساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی، باید به صورت علنی و با حضور هیأت منصفه باشد و همچنین بر اساس قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱، در دادگاه کیفری استان صورت گیرد. اما قانون‌گذار نظام حقوقی خاصی، سوای مطبوعات عمومی سراسری برای نشریات دانشجویی تعیین کرده است که علاوه بر تمایز در اکثر جنبه‌ها، مراجع و نهادهای دیگری در رسیدگی به تخلفات این نشریات دخیل‌اند که در آن‌ها نه الزامی به علنی بودن وجود دارد و نه الزامی به حضور هیئت منصفه.

واژگان کلیدی: نشریات دانشجویی، دادگاه صالح، مرجع اداری شبه قضایی، کمیته ناظر، تعارض صلاحیت

۱- دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران.

۲- دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول)

مقدمه

نشریات دانشجویی تقریباً عمری هم پای حیات جامعه دانشگاهی ایران دارند. نشریات دانشجویی بنا به دلایلی چون معطوف شدن جهت‌گیری مطالب به عوامل صرفاً غیرمادی (به دلیل عدم وابستگی دانشجویان به نشریه)، قرارگرفتن نویسندگان این نشریه در گروه سنی خاص، صعود و افول کیفیت نشریه به علت تغییر و تحول مدام عوامل این نشریه (به علت محدودبودن دوره‌ی تحصیلی آنان) متفاوت از نشریات عمومی هستند که در سطح گسترده منتشر می‌شوند.

از آنجا که اکثر دانشجویان در سنین جوانی به سر می‌برند، با توجه به انرژی متراکم و احساسات قوی، خواهان آرمان‌های ایده‌آل و طرح‌های نوگرایانه هستند که معمولاً وضعیت سنتی جامعه را به تغییر و تحول فرا می‌خوانند. این افراد که اغلب دارای تعلقات زندگی، مثل فرزند، همسر و مسائل اقتصادی نیستند، گاه برای ارضای تمنیات فکری، همچون کمک به هم‌نوع، پیشرفت کشور و نیز برای برآوردن خواسته‌های روحی و روانی، مثل تفوق‌جویی و اثبات وجود خود در جامعه، دست به هر اقدامی می‌زنند (کریمیان، ۱۳۸۱، ۳۰). به غیر از عوامل فوق، مشغله‌های دانشجویی، موقعیت روحی و خاص دانشجویان و جوانان، خصلت حاشیه‌ای بودن آنان و عوامل دیگر مانع از قوام و استمرار جنبش‌های دانشجویی می‌شود (بشریه، ۱۳۷۶، ۸).

انتشار نشریات دانشجویی به صرف هزینه‌گزافی نیاز ندارد. از این رو، طی سال‌های اخیر به ویژه در پی انبساط فضای سیاسی کشور پس از دوم خرداد ۱۳۷۶ شاهد رشد روزافزون این نشریات در فضای دانشگاه‌ها بوده‌ایم. طبق آخرین آمار، تعداد این نشریات در هفتمین دوره جشنواره نشریات دانشجویی که در خرداد ماه سال ۱۳۹۰ در دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد، ۷۰۰۰ عنوان، ذکر شده‌است. برای تولیدکنندگان هر نشریه، "شمارگان" و "فروش" یکی از دغدغه‌های اساسی است، اما این موضوع برای یک نشریه دانشجویی نمی‌تواند دغدغه اصلی و اولیه باشد، هر چند به هر حال داشتن جاذبه و کشش همیشه مورد نظر همه مطبوعاتی‌ها از جمله نشریات دانشجویی است. اگر شمارگان، برای نشریه دانشجویی اهمیت هم داشته باشد، این اهمیت غالباً از باب اشاعه اندیشه است، نه کسب منفعت.

۱. کلیات

۱.۱. تعریف نشریات دانشجویی

قانون‌گذار ایران در قانون مطبوعات ۱۳۷۹ و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن، به نشریات دانشجویی اشاره‌ای نکرده است. الزامات قانونی این نشریات به‌طور مفصل در ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی و آیین‌نامه‌ی اجرایی آن مصوب ۱۳۸۶، بیان شده است.^۳

نشریات دانشجویی در ماده ۱ قانون ضوابط ناظر بر فعالیت دانشجویی (مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۸۳/۳/۲۶) این‌گونه تعریف شده است:

"کلیه نشریاتی که به صورت ادواری یا گاهنامه و نیز نشریات الکترونیکی که با نام ثابت در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، هنری، ادبی و ورزشی توسط هر یک از اساتید و اعضای هیئت علمی، دانشجویان، تشکل‌های اسلامی و یا گروهی از اعضای هیئت علمی یا دانشجویان در دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و واحدهای دانشگاهی منتشر و در محدوده دانشگاه‌ها توزیع می‌شوند، نشریات دانشجویی محسوب شده و تحت شمول این ضوابط قرار می‌گیرند."

تعریف مذکور از نشریات دانشجویی ایراد بسیار بزرگی دارد و آن در زمینه تحدید زمینه فعالیت نشریات دانشجویی است که به شش زمینه (فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، هنری، ادبی و ورزشی) خلاصه می‌شود و در ادامه تنها افراد دانشگاهی را مجاز به فعالیت در این نشریه کرده است. یکی از ملزومات نشریه‌ای که متصدیان آن، اهالی دانشگاه و افراد تحصیل کرده و باسواد جامعه‌اند، پرداختن به مسائل، نکات و یافته‌های علمی است. البته این نقیصه در دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی مصوب سال ۱۳۸۶ تا حدی مرتفع شده است. در ماده ۱ این دستورالعمل و تبصره ۱، هفت زمینه فعالیت را علاوه بر موارد قبلی اضافه کرده است، که زمینه‌ی علمی نیز در این میان دیده می‌شود. ولی کماکان این محدوده وجود دارد، هر چند کمی وسیع‌تر شده است. به نظر ما

۳- طبق ماده ۵ ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشجویی ۱۳۸۳، آیین‌نامه باید ۲ ماه بعد از این قانون به تصویب می‌رسید، که این‌گونه نشد.

این به ثواب نزدیک‌تر بود که در این مورد نیز، قانون‌گذار به مانند قانون مطبوعات عمل می‌کرد و زمینه فعالیت نشریات دانشجویی را نامحدود اعلام می‌کرد.^۴

نشریات دانشجویی در مکان انتشار نیز محدود شده‌اند. در بند ۲-۱ ماده ۱ قانون ضوابط ناظر سال ۸۳ آمده است: توزیع نشریات دانشجویی در خارج از محدوده دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی واحد‌های دانشگاهی منوط به کسب مجوز از مراجع ذی ربط است. در دستورالعمل اجرایی (تبصره ۶ ماده ۱) در تعریف محدوده دانشگاه آمده است: "پردیس‌های دانشگاهی، خوابگاه‌ها، بیمارستان‌های آموزشی، مراکز بهداشتی درمانی و اردوگاه‌ها در حکم محدوده دانشگاه محسوب می‌شوند."

سؤالی پیش می‌آید که آیا ساختمان‌های اداری، سالن‌های ورزشی و نظایر این‌ها که در دستورالعمل، جزو محدوده دانشگاه تصریح نشده است، جزو این محدوده‌اند؟ ماده ۲ دستورالعمل مذکور این‌گونه پاسخ می‌دهد: "منظور از دانشگاه در این دستورالعمل کلیه دانشگاه‌ها، مراکز آموزش عالی و مراکز و واحدهای مرتبط دانشگاهی و واحدهای دانشگاهی است." از عبارت "مراکز مرتبط دانشگاهی" استنباط می‌شود که چنین مکان‌هایی هم در محدوده دانشگاه قابل فرض هستند. این محدودیت حتی شدیدتر می‌شود، زمانی که قانون‌گذار، توزیع این نشریات در محدوده دانشگاه را نیز، محدود به مکان‌های خاصی می‌کند. بدین صورت که این نشریات، نخست فقط در محل دفتر نشریه یا تشکل یا دستگاه صاحب امتیاز نشریه مجاز به توزیع‌اند و دوم این که اگر تمایل به توزیع نشریات در مکان‌هایی غیر از موارد مذکور وجود دارد، باید آن مکان را از قبل تعیین کنند و نشریات مذکور فقط در آن مکان توزیع شوند. توزیع در خارج از این مکان‌ها تخلف محسوب می‌شود.

رسیدگی به موارد صدور مجوز و بررسی صلاحیت متصدیان این نشریه و موارد تخلف و به طور کلی تمامی موارد مرتبط با این نشریات، به وسیله سه مرجع انجام می‌شود:

- ۱_ کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی، که در هر دانشگاه به تعداد یکی وجود دارد.
- ۲_ شورای فرهنگی دانشگاه، که در هر دانشگاه به تعداد یکی وجود دارد.

۴- در ماده ۱ قانون مطبوعات ۱۳۶۴، قانون‌گذار پس از ذکر ۱۳ مورد زمینه فعالیت کلمه "و نظایر این‌ها" را آورده است.

۳_ و شورای مرکزی ناظر بر نشریات دانشجویی به تعداد سه شورا وجود دارد (وزارت علوم تحقیقات و فناوری، بهداشت درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه آزاد اسلامی، هر کدام یک شورای مرکزی ناظر دارند).

که هر کدام از این نهادها به ترتیب و به صورت سلسله مراتبی بر یکدیگر نظارت دارند. ترکیب اعضا و اختیارات و وظایف این نهادها از موضوع بحث ما خارج است و به آنها نمی‌پردازیم.

۱.۲. تفاوت نشریات دانشجویی با سایر نشریات

منظور از سایر نشریات در این مبحث، مطبوعات عمومی سراسری است که در محدوده‌ی قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و اصلاحیه‌ی آن در ۱۳۷۹ قرار می‌گیرند. گروهی بر این عقیده‌اند که قانون مطبوعات ۱۳۶۴ و اصلاحات وارد بر آن، نشریات دانشجویی را نیز شامل می‌شود. این افراد در اثبات ادعای خود به ماده ۱ این قانون استناد می‌کنند. در اولین نگاه این گونه به نظر می‌رسد که با تعریف مذکور ادعای فوق ثابت است ولی قانون‌گذار در ادامه و در تبصره ۲ همین ماده، نشریاتی که بدون اخذ پروانه از هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می‌گردند را، از شمول قانون مطبوعات خارج و تابع قوانین عمومی می‌داند. طبق بند ۱ ماده ۶ دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی، صدور مجوز برای فعالیت این نشریات از وظایف کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی می‌باشد و هیئت نظارت در این زمینه دخالتی ندارد.

تفاوت‌های متعددی میان نشریات دانشجویی با سایر نشریات وجود دارد که در ذیل، به اهم آن‌ها اشاره می‌کنیم.

_ نشریات دانشجویی در مکان انتشار محدودیت دارند. این نشریات تنها باید در "محدوده دانشگاهی" منتشر شوند و حتی در داخل محدوده دانشگاهی نیز، در مکان‌های خاصی که از قبل مشخص شده‌است. انتشار این نشریات در خارج از آن تخلف محسوب می‌شود.

_ امکان اجاره، برای نشریات عمومی سراسری برخلاف نشریات دانشجویی، متصور است.

_ زمینه‌های فعالیت نشریات دانشجویی محدود، و نشریات عمومی سراسری نامحدود می‌باشند.

امکان اجاره‌ی امتیاز در نشریات دانشجویی وجود ندارد، بر خلاف نشریات عمومی سراسری.

فقط دانشجویان، اعضای هیئت علمی و برخی افراد خاص می‌توانند در نشریات دانشجویی فعالیت کنند، در صورتی که نشریات عمومی سراسری، تنها در مورد صاحب امتیاز و مدیرمسئول محدودیت‌هایی پیش‌بینی شده‌است.^۵

شرایط گرفتن مجوز در نشریات دانشجویی به مراتب آسان‌تر از نشریات عمومی سراسری است.

موارد جزئی دیگری نیز از جمله مهلت انتشار پس از اخطار عدم انتشار نشریه (پس از شش ماه)، وجود دارد.

۱.۳. مسئولیت جزایی مدیرمسئول نشریات دانشجویی و مقایسه آن با دیگر

نشریات

عوامل و دست‌اندرکاران این نشریه که افرادی دانشگاهی هستند (اعم از دانشجویان، استادان و...) اغلب به فنون و اصول نویسندگی و روزنامه‌نگاری آگاهی ندارند و گاهی دیده شده‌است که پس از وقوع جرم، اظهار عدم سوءنیت در ارتکاب جرم می‌کنند. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۱، نشریه دانشجویی "صبح فردا" که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران فعالیت می‌کرده است، توقیف شد و مدیرمسئول، سردبیر و نویسندگان آن از تحصیل محروم شدند. پس از آن، عوامل این نشریه اقدام به صدور بیانیه‌ای مبنی بر نداشتن سوءنیت در این زمینه کردند و با حضور در جمعی از دانشجویان، بابت سوءبرداشت‌های پیش آمده از نوشته مذکور عذرخواهی کردند.^۶

۵- ماده ۹ قانون مطبوعات ۱۳۶۴.

۶- مقاله هتاکانه نشریه دانشجویی "صبح فردا" در سال ۱۳۹۱، بسیار خبرساز شده‌است. این مقاله با عنوان "آدم می‌کشم، پس هستم"، ضمن آوردن بندهایی از بیانیه حقوق بشر، بدون آوردن نام خواننده، به صدور حکم فتوا علیه "خواننده توهین‌کننده"، انتقاد کرده بود و همچنین به مدافعان آزادی بیان که آزادی بیان را متفاوت با آزادی توهین می‌دانند، تاخته و استدلال کرده بود اگر کسی به این نتیجه برسد که چیزی قابل توهین و تمسخر است، باید اجازه داد حرفش را بزند (www.jamejonline.ir)

در مورد نشریات عمومی سراسری، براساس تبصره ۴ ماده ۹ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ مسئولیت تمام امور مربوط به نشریه، با مدیرمسئول آن نشریه بود. این ماده مسئولیت را برای مدیرمسئول شناخته است و برای او امکان دفاع نیست که تقصیر را بر مرتکب واقعی (مثلا نویسنده) ثابت کند. در آخرین اصلاحاتی که در سال ۱۳۷۹ در قانون مطبوعات به عمل آمد (و این آخرین قانونی است که امروز هم مورد عمل است) قانونگذار مسئولیت مطلق مدیرمسئول را نمی‌پذیرد، البته وی را مسئول می‌داند ولی مسئولیت سایر افراد را هم در عرض آن پذیرفته است (الهام، ۱۳۸۸، ۳۰۲).

مسئولیت جزایی در نشریات دانشجویی با قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴، متفاوت است و مسئولیت مطلق مدیرمسئول پذیرفته شده است (ماده ۲۳ دستورالعمل اجرایی). در عین حال رویه قضایی نشریات دانشجویی، سازی مخالف می‌زند. در پرونده‌هایی دیده شده است که مسئولیت نویسنده، صاحب امتیاز، سردبیر و سایر افراد دست‌اندرکاران نیز در نظر گرفته شده و مجازات‌هایی بر این افراد بار شده است. مثال بارز آن پرونده‌ی سردبیر نشریه‌ی دانشجویی "آذربایجان قادینی" دانشگاه آزاد تبریز می‌باشد.^۷ همچنین در پرونده‌ی نشریه‌ی دانشجویی "صبح فردا" در سال ۱۳۹۱ که هم اکنون نیز مطرح است، علاوه بر مدیرمسئول، سردبیر و نویسنده‌ی این نشریه‌ی دانشجویی نیز از تحصیل محروم شدند.

۲. صلاحیت رسیدگی به جرایم نشریات دانشجویی در حقوق داخلی

صلاحیت قضایی میزان اختیار محدودی است که قانون برای رسیدگی و حل و فصل دعاوی به هر یک از مراجع قضایی داده است (رستگار نامدار، ۱۳۵۶، ۱۶). صلاحیت کیفری عبارت از شایستگی و اختیاری است که به موجب قانون برای مرجع جزایی جهت

[v.http://dadsara.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=۴۰۵۸&articleType=ArticleView&articleId=۵۵۰۶۷](http://dadsara.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=۴۰۵۸&articleType=ArticleView&articleId=۵۵۰۶۷)

خانم ف.م، دانشجوی رشته‌ی فناوری اطلاعات دانشگاه آزاد تبریز بوده است. اتهام وی، تبلیغ علیه نظام، به دلیل چاپ ویژه نامه تشکل دانشجویی آرمان دانشگاه آزاد تبریز با عنوان "آذربایجان قادینی" (زن آذربایجانی) به مناسبت روز جهانی زن (۸ مارس) عنوان شده است. تعقیب سردبیر این نشریه دانشجویی بحث برانگیز است. چون بر طبق ماده ۲۳ دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی ۱۳۸۶، مسوولیت کلیه مطالب مندرج در نشریه به عهده مدیر مسوول می‌باشد.

رسیدگی به امور کیفری واگذار شده است (آخوندی، ۱۳۸۶، ۲۱۷). بعضی اوقات امکان دارد که میان مراجع قضایی در خصوص اعمال صلاحیت در قضیه ای خاص، اختلاف حاصل شود.

اگر در موضوع یک دعوی، دو دادگاه دادگستری و یا دادگاه دادگستری و مراجع غیروابسته به دادگستری هر دو خود را صالح دانسته و یا هر دو از خود نفی صلاحیت نمایند، در این صورت اختلاف در صلاحیت نفیا یا اثباتا محقق می شود (شمس، ۱۳۸۳، ۴۲۲).

۲.۱. نظریات مختلف در باب تعارض صلاحیت دادگاه ها در رسیدگی به جرایم

نشریات دانشجویی

مسئله ای حل تعارض در صلاحیت، فواید زیادی مانند جلوگیری از تراکم کار در محاکم قضایی، رعایت اصل تخصص، سرعت در رسیدگی و مطرح بودن حاکمیت دولت در اختلافات را به دنبال دارد (مدنی، ۱۳۷۶، ۴۵۹).

در باب دادگاه صالح در رسیدگی به جرایم نشریات دانشجویی، سه نظریه غالب مطرح است: نظریه صلاحیت دادگاه کیفری استان، نظریه صلاحیت دادگاه های عمومی و نظریه صلاحیت مراجع مذکور در مصوبه های شورای عالی انقلاب فرهنگی، که در ادامه به تفسیر و بررسی این دیدگاه ها می پردازیم.

۲.۱.۱. صلاحیت دادگاه کیفری استان بر جرایم نشریات دانشجویی

دادگاه کیفری استان بر خلاف دادگاه عمومی از سه قاضی تشکیل می شود که این ویژگی، برتری این دادگاه نسبت دادگاه عمومی است که در آن، سیستم وحدت قاضی اعمال نمی شود. علمای حقوق جزا، برای دادرسی های کیفری با روش تعدد قاضی اهمیت و اعتبار خاصی قائل می شوند. در برتری دادگاه کیفری استان نسبت به دادگاه عمومی این نکته نیز قابل ذکر است که قضات این دادگاه معمولاً از میان قضات با سابقه ی بیشتر انتخاب می شوند، لذا به دلیل تجربه ی بیشتر، احکام صادره از استحکام و دقت بالاتری در مقایسه با احکام دادگاه های عمومی برخوردار خواهند بود (صوفی آبادی، ۱۳۸۸، ۲۱). این نظریه به تبصره ی ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱، استناد می کند و بیان می کند که این مقرر، جرایم مطبوعاتی را به طور کلی در صلاحیت دادگاه کیفری استان می داند و در حکم کردن به این الزام، میان نشریات مختلف تمایز

قائل نشده است. طرفداران این نظریه همچنین استدلال می‌کنند که چون قانون‌گذار در نشریات دانشجویی، که نوعی مطبوعه تلقی می‌شوند دادگاهی جدای از دادگاه مطبوعات را تخصیص نداده و تعیین نکرده است پس بر جرایم نشریات دانشجویی نیز دادگاه کیفری استان (صالح بر رسیدگی به جرایم نشریات عمومی سراسری)^۸ صالح است. در این استدلال، طرفداران تمامی حقوق نشریات عمومی از جمله مهمترین آنها یعنی حق آزادی مطبوعات را برای نشریات دانشجویی نیز صادق می‌دانند.

مطبوعات به عنوان رکن چهارم دموکراسی، در جامعه وظایفی بر عهده دارند و نقش‌هایی ایفا می‌کنند. نقش خبری و اطلاع‌رسانی، شفافیت در عرصه اطلاع‌رسانی، جلوگیری از فساد، افزایش آگاهی مردم، آموزش، نقش همگن‌سازی و بیان اندیشه‌ها و عقاید مختلف و نوین از مهمترین نقش‌های مطبوعات می‌باشد (شهسواری، ۱۳۸۸، ۳۹ و ۴۰). طرفداران این نظریه بر این عقیده‌اند میان نشریات دانشجویی و نشریات عمومی سراسری، شباهت‌های بسیاری وجود دارد. از تشابه عناوین دست‌اندرکاران آنها مثل صاحب امتیاز و مدیرمسئول و سردبیر و نویسنده گرفته تا موارد شکلی مثل نوشتاری بودن (یا اینترنتی بودن)، چاپ و انتشار. حتی در میان عوام و عرف نیز هر دوی آنها روزنامه محسوب می‌شوند و شاید اکثر مردم و حتی برخی دانشگاهیان نیز، تفاوت جزئی میان آن‌ها را ندانند. نقش نشریات دانشجویی در اموری چون آموزش، اطلاع‌رسانی، افزایش آگاهی مردم جامعه و بیان عقاید نوین غیرقابل انکار است. به همین خاطر اصحاب این رسانه باید به مانند نشریات عمومی سراسری، از حداکثر حمایت برخوردار باشند.

حق آزادی مطبوعات به حق‌های متعددی منحل می‌شود که شش‌تای آن‌ها از اهمیت بیشتری برخوردارند. این حق‌ها عبارتند از: حق آزادی انتشارات، حق استمرار

۸- لازم به ذکر است رسیدگی به جرایم مطبوعاتی در دادگاه‌های کیفری استان با سیستم تعدد قاضی و حضور هیات منصفه و به صورت علنی انجام می‌شود. البته صلاحیت دادگاه انقلاب در جرایمی از قبیل جاسوسی و توطئه علیه نظام و مواردی از این قبیل، صلاحیت دادرسی و دادگاه روحانیت در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی روحانیون، صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی نظامیان از درجه سرتیپی به بالا و صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران در رسیدگی به جرایم اعضای تشخیص مصلحت نظام، رئیس‌جمهور، وزرا، معاونان و... استثناهایی بر اصل صلاحیت دادگاه کیفری استان مربوطه بر جرایم مطبوعاتی واقع شده در حوزه صلاحیت آن می‌باشد.

انتشارات، حق کسب خبر، حق انتشار خبر، حق امنیت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و در نهایت حق دادرسی خاص (نوروزی، ۱۳۸۸، ۱۸).

پذیرفتن نظریه‌ی صلاحیت دادگاه کیفری استان بر جرایم نشریات دانشجویی، دو نتیجه را به دنبال دارد. اول اینکه طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی ایران، رسیدگی به جرایم مطبوعاتی الزاماً علنی است و دادگاه نمی‌تواند تحت هیچ عنوان و بهانه‌ای محاکمه را به صورت غیرعلنی برگزار کند. علنی بودن محاکمه نوعی ضمانت اجرای عملی برای دادرسی عادلانه در محاکمه‌های مطبوعاتی است و این الزام منحصر به محاکمه‌ی جرایم مطبوعاتی می‌باشد، زیرا می‌دانیم که اصل ۱۶۵ قانون اساسی، محاکم را مجاز دانسته است تا در موارد مربوط به نظم عمومی یا منافی عفت عمومی، محاکمه را به صورت غیرعلنی برگزار کند. دوم اینکه حضور هیئت منصفه به عنوان نماینده افکار عمومی در محاکمه جرایم مطبوعاتی، ضروری است. پس اگر این نظریه برای نشریات دانشجویی نیز صدق کند، به جرایم این نشریات باید به صورت علنی و با حضور هیئت منصفه رسیدگی شود.^۹

۲.۱.۱.۱. نقد نظریه صلاحیت دادگاه کیفری استان

در انتقاد و پاسخ به استدلال‌های طرفداران نظریه‌ی فوق، موارد زیر قابل ذکر است: شاید در شکل، قالب‌بندی و اصحاب این دو رسانه شباهت‌هایی دیده شود، ولی وضعیت حقوقی آنها در حقوق ایران کاملاً با یکدیگر متفاوت است. قانون‌گذار ایران در تبصره ۲ ماده ۱ قانون مطبوعات، به صراحت نشریه‌ای که بدون اخذ پروانه از هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد را از شمول قانون مطبوعات خارج می‌داند و همان‌طور که پیش از این بیان شد نشریات دانشجویی، با کسب مجوز از کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی ایجاد می‌شوند. پس در حقوق ایران نشریات دانشجویی، بنا بر تعریف قانون مطبوعات ایران، مطبوعات تلقی نمی‌شوند و این قانون، شامل حال آنها نمی‌شود. البته این تبصره در ادامه موارد خارج از شمول قانون مطبوعات را، تابع قوانین عمومی می‌داند. علاوه بر این قانون‌گذار، در قانون مطبوعات ۱۳۶۴، اصلاحیه‌ی آن در سال ۱۳۷۹ و همچنین آیین‌نامه اجرایی آن، حتی یک بار هم نامی از نشریات دانشجویی نبرده است. در

۹- تاکنون در هیچ یک از محاکمه‌های انجام شده در مورد نشریات دانشجویی، هیات منصفه حضور

حالی که در این قوانین، به ویژه نامه‌ها، نشریات داخلی سازمان‌ها، نشریات الکترونیکی و خبرگزاری‌ها در مواردی حتی جزئی اشاره شده‌است.

۲.۱.۲. صلاحیت دادگاه‌های عمومی

دادگاه عمومی،^{۱۰} حق رسیدگی و صدور حکم نسبت به عموم دعاوی را صرف نظر از ویژگی دعوا یا ویژگی متداعیین دارا می‌باشد (هاشمی، ۱۳۷۱، ۴۲۱). مگر آن چه که رسیدگی به آن، صریحا به دادگاهی خاص واگذار شده باشد. طرفداران این نظریه به صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی^{۱۱} استناد می‌کنند و بیان می‌کنند که اصل و قاعده، صلاحیت دادگاه عمومی است مگر اینکه قانون‌گذار مواردی خاص را از این اصل، استثنا کرده باشد. در مورد نشریات دانشجویی نیز چون قانون‌گذار، صلاحیت دادگاه خاصی را مقرر نکرده است، دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به جرایم این نشریات، صالح به رسیدگی می‌باشند. در قسمت اخیر بند ۳-۴ ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی مصوب ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی، در ارجاع پرونده‌های جرایم نشریات دانشجویی، دادگاه خاصی را صالح ندانسته است و آورده است که: "مراتب را به دادگاه‌های صالحه منعکس نماید." پس در این جا نیز می‌توان نتیجه گرفت که چون صلاحیت دادگاه خاصی استثنا نشده‌است اصل صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی اعمال می‌شود.

هر شخصی که از انتشار یک مطلب مجرمانه در نشریه دانشجویی متضرر شده‌است می‌تواند به عنوان شاکی خصوصی به مراجع قضایی شکایت برد یا در صورت امکان، مراجع قضایی می‌توانند رأساً متهم را تحت تعقیب قرار دهند (انصاری، ۱۳۸۵، ۱۳۷). در

۱۰- محاکم عمومی در مقابل محاکم اختصاصی قرار می‌گیرند. محاکم اختصاصی محاکمی هستند که اصل بر عدم صلاحیت آن‌هاست مگر آنچه را که قانون صریحا در صلاحیت آن‌ها قرار داده است. در مقابل محاکم عمومی، صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارند مگر این که مقنن بعضی مصادیق را از صلاحیت آنان خارج کرده باشد.

۱۱- اصل صلاحیت عام دادگاه‌های عمومی، در اصل ۱۵۹ قانون اساسی، ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی تصریح شده‌است.

قضیه نشریه دانشجویی "فرهنگ مبارزه" در سال ۱۳۸۵، دادگاه انقلاب شاهرود به عنوان مدعی العموم ورود کرد و مدیرمسئول این نشریه دانشجویی را به دادگاه احضار کرد. همچنین با استناد به قسمت اخیر تبصره ۲ ماده ۱ قانون مطبوعات می توان به این نتیجه گیری رسید. این تبصره پس از اینکه نشریاتی که بدون اخذ مجوز از هیئت نظارت بر مطبوعات ایجاد می شوند را خارج از شمول مطبوعات می داند، آنها را تابع قوانین عمومی می داند.

۲.۱.۲.۱. نقد نظریه صلاحیت دادگاه عمومی

منتقدان این نظریه نیز مواردی چون محدودیت بیش از حد رسانه ها (که برخلاف اصل آزادی رسانه ها است)، نبودن هیئت منصفه در رسیدگی به جرایم، محدودیت اصل علنی بودن رسیدگی به جرایم نشریات (که اصلی غیرقابل تحدید است) را در رد این نظریه ذکر می کنند.

۲.۱.۲.۲. صلاحیت مراجع مذکور در مصوبه های شورای عالی انقلاب فرهنگی

منظور از این مراجع، سه مرجعی است که در ماده ۲ ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی عنوان شده است که شامل کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی، شورای فرهنگی دانشگاه و شورای مرکزی ناظر می باشد. هیچکدام از مراجع مذکور، دادگاه یا مرجع قضایی محسوب نمی شوند ولی می توان آن ها را یک نوع مرجع اداری یا مرجع شبه قضایی نامید.

قطعیت حکم مراجع شبه قضایی اداری به معنای پایان دادرسی نیست و ذی نفع در پایان این مرحله می تواند با مراجعه به مراجع قضایی برای تجدیدنظر و ابطال آن اقدام کند. به عبارت دیگر دو مرحله برای رسیدگی تا رسیدن به قطعیت نهایی در نظام حقوقی کشورمان مفروض است. یک مرحله در سطح مراجع شبه قضایی اداری، رأی قطعی صادر می شود (که رأی قطعی نهایی نیست) و مرحله دیگر، راجع به همان موضوع ممکن است در مراجع قضایی کشور، پرونده منتهی به صدور رأی قطعی گردد (سوادکوهی فر، ۱۳۸۱، ۳).

طبق ماده ۷ و ۴۴ دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی، مرجع تجدیدنظر از تصمیمات کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی، شورای فرهنگی همان دانشگاه

می‌باشد و مرجع تجدیدنظر از تصمیمات شورای فرهنگی دانشگاه، شورای مرکزی ناظر خواهد بود و در نهایت طبق ماده ۴۷ دستورالعمل، آرای این شورا، قطعی است.^{۱۲}

آرای صادره به وسیله‌ی شورای مرکزی ناظر بر نشریات دانشجویی، طبق ماده ۱۳ قانون دیوان عدالت اداری در دیوان عدالت اداری قابل شکایت و تجدیدنظر است (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷). قبل از ورود به بحث صلاحیت این سه مرجع، باید بررسی کنیم که آیا مرجعی که این صلاحیت را به آن‌ها اعطا کرده است خود بر این اعطای صلاحیت صالح بوده است یا خیر.

۲.۱.۳.۱. صلاحیت شورای عالی انقلاب فرهنگی در تعیین دادگاه صالح

طبق اصل ۱۵۹ قانون اساسی، صلاحیت تعیین دادگاه صالح با حکم قانون است و حال باید بحث کنیم که آیا مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، قانون است یا ما فقط مصوبات مجلس شورای اسلامی را قانون می‌دانیم؟

به دنبال استفسار حضرت آیت الله خامنه‌ای (رئیس جمهور وقت) در زمینه‌ی اعتبار مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۶۳/۱۲/۶ پاسخ فرمودند:

"ضوابط و قواعدی را که شورای محترم عالی انقلاب فرهنگی وضع نمایند، باید ترتیب اثر داده شود." شورای عالی انقلاب فرهنگی با استناد به این استفساریه، مصوبات خود را در حد قانون می‌داند.

شورا در جلسه ۶۵/۷/۱۵ خود اعلام داشته است:

"به دولت رسماً و کتبا اطلاع داده می‌شود که مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، در حکم قانون است."

همچنین رهبر معظم انقلاب در مورد لازم‌الاجرا بودن مصوبات در دیدار با رئیس و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورخه ۷۶/۱۱/۴ فرمودند:

۱۲- ماده ۴۴: آرای صادره از کمیته ناظر، ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض و درخواست تجدید نظر در شورای فرهنگی دانشگاه است. در صورت عدم اعتراض در مهلت تعیین شده، حکم قطعی محسوب می‌شود. ماده ۴۷: تصمیم شورای فرهنگی دانشگاه ظرف ۲۰ روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض به شورای مرکزی ناظر است. شورای مرکزی ناظر موظف است ظرف دو ماه از تاریخ دریافت اعتراض رای خود را صادر و آن را ابلاغ کند.

"هیچکس در کشور از وجود یک دستگاه متفکر، جامع و دارای همه خصوصیات برجسته و آگاه به کمبودها و نیازها مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی بی‌نیاز نیست. این شورا متصدی شناخت مسائل فرهنگی و بحث و تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها و ابلاغ مصوبات برای اجرا می‌باشد. بنابراین مصوبات این شورا لازم‌الاجرا می‌باشد و همه دستگاه‌ها باید خود را موظف به اجرای تصمیمات این شورا بدانند."

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در رأی شماره ۳۰۱/۸۰/۰ مورخ ۸۱/۵/۱۷ با ابطال مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی راجع به سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر در حکم قانون بودن مصوبات شورای عالی را مردود اعلام کرد.

مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۳۸۹ پس از بررسی "طرح معتبر بودن مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص دانشگاه آزاد اسلامی"، با اعلام این که این مصوبات دارای اعتبار حکم حکومتی است، خواستار خروج طرح مذکور از دستور کار مجلس شد. براساس قانون جدید دیوان عدالت اداری (مصوب ۸۵/۹/۲۵ مجلس) این دیوان، صلاحیت رسیدگی به شکایت از آراء، تصمیمات و مصوبه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی را ندارد. این موضوع از لحاظ حقوقی قابل توجیه نیست (مصونیت از نظارت قضایی بر تصمیماتش). در نهایت می‌توان به عبارتی شورا را نهادی "ولائی و حقوقی" دانست که اکنون در رویه قضایی ما مصوباتش اعتباری همپای قانون دارد. (ملک افضلی، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

۲.۱.۳.۲. تعارض و ابهام در تعیین مرجع صالح در ضوابط ناظر بر نشریات

دانشجویی

بند ۳-۳ ماده ۳ ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی،^{۱۳} صراحتاً رسیدگی به جرایم نشریات دانشجویی را در صلاحیت سه مرجع مذکور (کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی، شورای فرهنگی دانشگاه، شورای مرکزی ناظر بر نشریات دانشجویی) گذاشته است. در

۱۳- بند ۳-۳ ماده ۳: اعمالی که از نظر این ضوابط برای نشریات دانشگاهی، تخلف محسوب می‌شود و مستلزم رسیدگی و صدور رای در مراجع پیش بینی شده در ماده ۲ می‌باشد همان موارد مصرح در فصل ششم قانون مطبوعات است.....

ادامه‌ی همین ماده و در بند ۳-۴^{۱۴} رسیدگی به جرایم را در صورت ارجاع شورای فرهنگی دانشگاه و کمیته انضباطی دانشگاه، در صلاحیت دادگاه دانسته است. این دو بند ماده ۳، رویه بسیار مبهمی به دست می‌دهند. در تناقضی فاحش، از طرفی در صدر بند ۳-۳ مواردی که سه مرجع مذکور برای رسیدگی و تصمیم‌گیری در آن مجاز هستند را محدود به تخلفات مندرج در مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی (ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی) کرده است و از طرفی در ادامه همین بند، این تخلفات را همان موارد مصرح در فصل ششم قانون مطبوعات (مواد مربوط به جرایم مطبوعاتی) می‌داند.

این تناقض همچنین در بند ۳-۴ نیز در موردی دیگر تکرار شده است. در این بند آمده است: "در صورتی که عمل نشریه دانشجویی به تشخیص شورای فرهنگی دانشگاه جرم تلقی شود، مورد را به کمیته انضباطی منعکس می‌کند و این کمیته پس از تأیید نظر شورای فرهنگی دانشگاه، مخیر است که پرونده را به دادگاه صالحه ارجاع بدهد یا ندهد." کمیته انضباطی نیز به مانند شورای فرهنگی دانشگاه رکنی شبه قضایی است. احراز جرم و تعیین مجازات بر اساس اصل ۳۶ قانون اساسی، با دادگاه و مرجع قضایی است و هیچ یک از دو مرجع اداری و شبه قضایی مذکور در بند اخیر، چنین اختیاری ندارند.

همچنین با فرض این که این مراجع، صلاحیت احراز جرم را داشته باشند و آن را احراز کنند، قانون گذار از واژه‌ی "می‌توانند" در مورد ارجاع مدیرمسئول به دادگاه صالح استفاده می‌کند، و این یعنی اختیار دارد که ارجاع بدهد یا ندهد. اگر جرمی در مرجعی احراز شود هرگز آن مرجع در نادیده گرفتن آن جرم، اختیار نخواهد داشت.

۲.۱.۳.۳. تشدید ابهام در دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی

این دستورالعمل، در مواد ۳۳ و ۳۵ و ۳۶، خود مصادیقی از جرایم مطبوعاتی را آورده است و علاوه بر این که از این جرایم به عنوان تخلف نام برده است، آن‌ها را مشمول ضمانت اجرای تنبیهی دانسته است. البته این دستورالعمل در مواد ۳۲، ۳۴ و ۳۷ نیز، در مورد دیگر جرایم نشریات دانشجویی نیز همین تنبیهات را قابل اعمال دانسته است.

۱۴- بند ۳-۴ ماده ۳: در تمامی مواردی که تخلف ارتكابی نشریه بر اساس قوانین موضوعه کشور جرم تلقی شود، شورای فرهنگی دانشگاه می‌تواند مدیر مسوول نشریه را به کمیته انضباطی دانشگاه معرفی کند و کمیته مزبور پس از رسیدگی می‌تواند مراتب را به دادگاه‌های صالحه منعکس نماید.

این دو ماده به صراحت مخالف بند ۳-۴ ماده ۳ ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی می‌باشد و با تمام اصول پذیرفته شده حقوقی در تناقض است. ضمناً اصل ۱۷۰ قانون اساسی به صراحت بی‌اعتباری آیین نامه‌هایی را که برخلاف قانون می‌باشند را اعلام کرده است و امکان درخواست ابطال آن را به وسیله هر فرد عادی ممکن می‌داند.

به نظر نگارندگان، این تنبیهات مقرر شده بر جرایم نشریات دانشجویی در مواد مذکور، تنها تاوان مرتکب، نخواهد بود و قانون‌گذار قصد داشته است که این تنبیهات که اکثراً مربوط به محرومیت‌های مربوط به حوزه دانشگاه است، را علاوه بر مجازات کیفری جرم ارتكابی، بر مرتکب اعمال کند. از ماده ۳۹ دستورالعمل اجرایی می‌توان به این استدلال رسید. طبق این ماده، در مواردی که تخلف ارتكابی نشریه براساس قوانین موضوعه کشور جرم تلقی شود بنا به تشخیص کمیته ناظر، مدیرمسئول نشریه جهت تصمیم‌گیری مقتضی به کمیته انضباطی معرفی می‌شود. و طبیعتاً پس از آن به دادگاه صالح. اگر این استدلال را بپذیریم، تقریباً تمامی ابهامات بخش چهارم دستورالعمل اجرایی را حل کرده‌ایم.

شاید این ابهام و ناهماهنگی از وجود اختلاف نظر در تعریف جرم مطبوعاتی ناشی شود. این اختلاف سلیقه در سه گرایش عمده، یعنی اعتقاد به نفی چنین مفهومی، ارائه تعریف مضیق و موسع از جرم مطبوعاتی دسته‌بندی می‌شود. برخی از صاحب نظران ضمن نفی عنوان جرم مطبوعاتی، نیاز به ابداع چنین عنوانی ندیده و معتقدند که امکان ندارد نشریه‌ای، جرمی مرتکب شود که خارج از محدوده‌ی مقررات قوانین موجود یا بعدی درباره‌ی جرایم عادی باشد. ایشان نشریه را آلت جرم می‌دانند و نه فاعل آن و برای آلت جرم در هیچ کجای دنیا و در هیچ زمانی سابقه نداشته است که قانون خاص بنویسند، مثلاً قانون چاقوی ضامن‌دار یا دادگاه ویژه قلوبه سنگ بی‌معناست (صالحیار، ۱۳۷۳، ۲۴).

گروهی جرم مطبوعاتی را در مفهوم موسعی به کار برده‌اند و آن را شامل هر جرم ارتكابی از طریق مطبوعات دانسته‌اند. در این دیدگاه ارتكاب جرایم از سوی مطبوعات کفایت می‌کند و جرایم، خصوصیت ویژه‌ای ندارند (انصاری، ۱۳۷۵، ۴۱). عده‌ای دیگر در محدودترین تعریف از جرم مطبوعاتی، آن را تنها شامل جرایمی دانسته‌اند که ارتكاب آن فقط از ناحیه‌ی مطبوعات جرم تلقی شود. مطابق این دیدگاه، جرایم مطبوعاتی به چند جرم خاص منحصر می‌شود (عسگری، ۱۳۵۰، ۶۵).

برخی از نویسندگان حقوقی معتقدند با توجه به اطلاق اصل ۱۶۸ قانون اساسی، نزدیک‌ترین تعریف به ذهن در این خصوص، تعریف موسع جرم مطبوعاتی است و منظور قانون‌گذار از تدوین فصل ششم قانون مطبوعات و پیش‌بینی جرایم خاص در آن تقیید اطلاق اصل ۱۶۸ نبوده است بلکه هدف آن تأکید بر شایع‌ترین جرایم مطبوعاتی است (شیخ الاسلامی، ۱۳۸۰، ۳۲).

ماده ۳۹ دستورالعمل، خود ابهاماتی را نیز دامن‌زده است. اول این که مرجع معرفی‌کننده مدیرمسئول متخلف به کمیته انضباطی، در ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی (شورای فرهنگی دانشگاه) با مرجع معرفی‌کننده‌ی این فرد در دستورالعمل اجرایی (کمیته ناظر)، یکسان نیست که در این جا، براساس اصل ۱۷۰ قانون اساسی (ابطال آیین‌نامه‌ها و مصوبه‌های معارض با قانون)، حکم اول دارای اعتبار می‌باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌کنید اشتباه فاحش ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی در دستورالعمل اجرایی آن نیز تکرار شده و مرجعی شبه قضایی را صالح در تشخیص جرم ارتكابی نشریات دانشجویی دانسته است. نگارندگان در این پژوهش حدود ۴۰ نشریه دانشجویی توقیفی از سال ۱۳۸۵ تاکنون را بررسی کرده است که به واسطه‌ی حکم کمیته ناظر توقیف شده‌اند.^{۱۵} همچنین تخییر کمیته ناظر بر فعالیت نشریات دانشجویی،

۱- ۱۵. نشریه گلاوژ (دانشگاه خواجه نصیر) در سال ۸۷، به دلیل تایید تلویحی مساله هولوکاست. ۲. نشریه سنگ پا (دانشگاه یاسوج) در سال ۸۵، به دلیل توهین به اقوام. ۳. نشریه فریاد (دانشگاه یاسوج) در سال ۸۵، به علت تحریک دانشجویان وتشکل‌های دانشجویی و توهین. ۴. نشریات دانشجویی مانیشت و هه ناران (دانشگاه ارومیه) در سال ۸۵، به دلیل دامن زدن به مسایل قومی، ترویج افکار چپ، تضعیف حکومت اسلامی و اقدام علیه امنیت ملی. ۵. نشریه زمستان (دانشگاه یزد) در سال ۸۵، به علت چاپ مقاله ای تحت عنوان شکستن بت بزرگ، به اتهام توهین به مقدسات. ۶. نشریه آیاتای (دانشگاه ارومیه) در سال ۸۶، به دلیل تجزیه طلبی، نشر اکاذیب، تحریف تاریخ آذربایجان و تشویش اذهان. ۷. نشریه دانشجویی آخارسو (دانشگاه ارومیه) در سال ۸۶، به دلیل برهم زدن وحدت ملی وتحریف تاریخ ترک‌های ایران. ۸. نشریه طعم آزادی (دانشگاه امیرکبیر) در سال ۸۵، به دلیل توهین به محمود احمدی نژاد. ۹. نشریه فرهنگ مبارزه (دانشگاه شاهرود) در سال ۸۵، به دلیل چاپ مقاله با عنوان فتح آخرین سنگر. ۱۰. نشریه فروردین (دانشگاه شیراز) در سال ۸۵، به دلیل نشر اکاذیب. ۱۱. نشریه کتاب پدر (دانشگاه علوم پزشکی اهواز) در سال ۸۵، به دلیل نشر اکاذیب. ۱۲. نشریه یثنی باخیش (دانشگاه تهران) در سال ۸۶، به علت چاپ مطالبی انتقادی با ادعای جعلی بودن حدیث منتسب به پیامبر اسلام که بر روی اسکناس‌های

در معرفی مدیرمسئول متخلف به کمیته انضباطی و پس از آن به دادگاه صالح، از عبارت "بنا به تشخیص کمیته ناظر" استنباط می شود، که درواقع به نوعی تکرار کلمه‌ی

۵۰۰۰ تومانی چاپ شده (دانش اگر در ثریا هم باشد، مردانی از سرزمین پارس، بدان دست خواهند یافت). ۱۳. نشریه چکاوک (دانشگاه زنجان) در سال ۸۶، به دلیل توهین به بسیج و معرفی گروه زنان انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه زنجان. ۱۴. نشریه طاق بستان (تاق و سان) (دانشگاه رازی کرمانشاه) در سال ۸۸، به اتهام نشر اکاذیب. ۱۵. نشریه صدف (دانشگاه صنعتی شریف) در سال ۸۹، به دلیل انتشار مطالب طنزی درباره مدیرکل دانشجویی و همچنین مطالبی درباره ابتدال در برنامه‌های شورای صنفی. ۱۶. نشریه حیات (دانشگاه امام صادق) در سال ۸۹، به دلیل چاپ تصویری که در ذیل یادداشتی با عنوان جام زهر جدید، منتشر گردیده بود، تصویری از هاشمی رفسنجانی در کنار میرحسین موسوی و محسن رضایی، چاپ شده که با اتفاقات پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم، در خرداد ماه سال گذشته تطبیق داده شده بود. ۱۷. نشریه خلیج (دانشگاه یزد) در سال ۸۷، به اتهام قومیت گرایی و پان ترکسیم در مقالاتی که در خصوص مسایل آذربایجان و ترک‌های ساکن ایران نوشتند. ۱۸. نشریه مدارا (دانشگاه خلیج فارس) در سال ۸۸، به علت چاپ مقاله موهن که در آن هم به مسوولین نظام توهین کرده و هم اصل ولایت فقیه را زیر سؤال برده است. ۱۹. نشریه تجلی (دانشگاه علوم پزشکی شهرکرد) در سال ۸۸، به علت چاپ نقدی در مورد وضعیت پژوهشی و چگونگی تقدیر از دانشجویان و اساتید برگزیده‌ی جشنواره‌ی شهید مطهری و هم چنین مطالبی طنز در مورد حضور معاون رییس جمهور در دانشگاه به همراه وضعیت بد صنفی دانشگاه. ۲۰. نشریه اوج (دانشگاه زنجان) در سال ۸۶، به دلیل چاپ مقاله‌ای تحت عنوان سهمیه بندی جنسیتی هجمه‌ی جدید زن ستیزان / زن خوب در خانه می‌ماند. ۲۱. نشریه دامون (دانشگاه امیرکبیر) در سال ۸۵، به دلیل چاپ مقاله ای تحت عنوان تجاوز قانونی که به مساله‌ی تمکین پرداخته است. ۲۲. نشریه واژه (دانشگاه امیرکبیر) در سال ۸۵، به دلیل چاپ مقاله‌ای تحت عنوان مقدمه‌ای به سوی زندگی غیرفاشیستی که در مورد مساله‌ی حجاب بود. در این مقاله علاوه بر مساله‌ی حجاب، جداسازی جنسی در وسایل نقلیه، اماکن عمومی و بوفه‌های دانشجویی مورد پرسش قرار گرفته‌اند. ۲۳. نشریه تابوت (دانشگاه تهران)، به علت چاپ مطالبی با موضوع زنان و احکام اسلامی. ۲۴. نشریه آغازی نو (دانشگاه علامه طباطبایی)، مقاله‌ای تحت عنوان ارویای دست نیافتنی واپس‌گرایان، در انتقاد به طرح امنیت اجتماعی و برخوردهای صورت‌گرفته در این باب. ۲۵. نشریه آفتابکاران (دانشگاه صنعتی شریف) در سال ۸۵، به اتهام دعوت به اغتشاش و توهین به مقدسات و هم چنین چاپ مطالبی راجع به مساله‌ی حجاب. ۲۶. نشریه موج نو (دانشگاه علم و صنعت) در سال ۸۸، به دلیل چاپ مقاله باعنوان درمیان ما، مردم رهبراند. ۲۷. نشریه بیداری (دانشگاه شیراز) در سال ۸۹، به اتهام تشویش اذهان عمومی، ترقیب دانشجویان به انجام اعمال خلاف قانون و چاپ مطالب غیرواقع. ۲۸. نشریه دانشجویی تریفه (دانشگاه مازندران) در سال ۸۷، به دلیل درج مطالبی در مورد محکومیت حمله ارتش ترکیه به کردستان عراق.

"می‌تواند" در بند ۳-۴ ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی می‌باشد. گویی هر یک از این موارد و مواد مذکور در این قانون و دستورالعمل را افرادی خاص و جدا از یکدیگر نوشته‌اند! در تناقض‌گویی نیز، دستورالعمل اجرایی از رویه قانون ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی پیشی گرفته است، همان‌طور میان بند ۳-۴ و بند ۳-۳ ماده ۳ ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی تعارض وجود دارد، در دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی نیز ماده ۳۹ قواعد پذیرفته شده در مواد قبلی خود را نقض می‌کند که البته در مورد اخیر، استدلال ماده ۳۹ دستورالعمل به نسبت قابل قبول‌تر از مواد قبلی آن است.

۲۰۱۳۴. نقد نظریه صلاحیت مراجع مذکور در مصوبه‌های شورای عالی انقلاب

فرهنگی

در بند ۳-۳ عنوان شده که سه مرجع فوق‌الذکر (کمیته ناظر، معاونت فرهنگی دانشگاه و شورای مرکزی) صالح به رسیدگی به موارد مصرح در فصل ششم قانون مطبوعات می‌باشند. همان‌طور که می‌دانیم فصل ششم قانون مطبوعات مربوط به جرایم مطبوعاتی است و ایراد اصل ۳۶ قانون اساسی، در این مورد مطرح می‌شود. ضمناً با بررسی سطحی اعضای این مراجع نیز می‌توان به قضایی نبودن این مرجع حکم کرد.^{۱۶} کما این که هیئت نظارت بر مطبوعات عمومی سراسری که افراد برجسته‌تری چون وزیر ارشاد، نماینده مجلس و یک قاضی در آن حضور دارند، مرجع قضایی تلقی نمی‌شود. توقیف روزنامه‌ها یک امر کیفری است که بی‌گمان مجازات است و هم به قانون احتیاج دارد و هم به حکم دادگاه. بنابراین هیئت نظارت مجاز نیست که در این امر دخالت بکند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ۱۹).

علاوه بر این، موارد تخلف در دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی کاملاً مشخص شده‌است، مواردی از جمله توزیع نشریات دانشجویی در خارج از محدوده دانشگاه، عدم انتشار نشریه دانشجویی ظرف مدت شش ماه از زمان صدور مجوز، عدم رعایت توالی انتشار مندرج در امتیاز، عدم رعایت پروسه انتقال امتیاز نشریه دانشجویی و

۱۶- در کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی این افراد حضور دارند: معاون دانشجویی فرهنگی دانشگاه (رییس کمیته)، نماینده تام‌الاختیار و دایم دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، یک حقوق دان به انتخاب رئیس دانشگاه، سه نفر عضو هیات علمی دانشگاه به انتخاب شورای فرهنگی دانشگاه، مدیر امور فرهنگی دانشگاه.

مواردی متعدد از این دست. حتی ضمانت اجراهای این تخلفات نیز در بخش پنجم دستورالعمل اجرایی با عنوان تنبیهات آمده است. سه مرجع مذکور تنها می‌توانند به تنبیهات سیزده‌گانه مذکور در ماده ۴۰ دستورالعمل رأی دهند. همان‌طور که می‌بینیم این موارد، هیچ شباهت و قرابتی با جرایم مطبوعاتی مصرح در فصل ششم قانون مطبوعات ندارند. ولی در عمل می‌بینیم که این مراجع پا را فراتر از محدودیت خود گذاشتند. به عنوان نمونه، حکم کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد در مورد نشریه‌ی سیمیا در سال ۱۳۸۹، را در ادامه می‌آوریم.

"موضوع تخلفات شماره شصت و دوم نشریه سیمیا، در جلسه کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه طرح و پس از بررسی دفاعیات و محتوای نشریه، برآیند عملکرد آن نشریه در شماره مذکور مصداق تبلیغ علیه نظام (موضوع ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی) تشخیص داده شد. همچنین تصویر صفحه دو، مصداق نشر صور خلاف عفت (موضوع ماده ۳۱ دستورالعمل اجرایی نشریات دانشجویی و بند ۲ ماده ۶ قانون مطبوعات) برخی مطالب مقاله "حجاب، اعتقاد یا اجبار" از جمله تحریک زنان به ایستادگی در برابر احکام شرع و نیز برخی مطالب مقاله "زنان، دست به دامان قوانین وارونه" مصداق نشر مطالب خلاف اسلام (موضوع ماده ۳۰ دستورالعمل اجرایی و بند ۱ ماده ۶ قانون مطبوعات)، خبر "حکم اعدام عضو انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه دامغان تأیید شد" مصداق نشر اکاذیب (مصداق ماده ۶ قانون مطبوعات و ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی) و معرفی "قره‌العین" به عنوان "زن کامل"، مصداق تبلیغ به نفع بهائیت (مصداق ماده ۶ قانون مطبوعات و ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی) تشخیص و مستنداً به مواد ۲۷ و ۳۰ و بند ۹ ماده ۴۰ دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر فعالیت نشریات دانشجویی، حکم به توقیف نشریه به مدت ۹ ماه صادر گردید. رأی صادره ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ، قابل تجدید نظر در شورای فرهنگی دانشگاه خواهد بود."

۲.۲. صلاحیت ذاتی، شخصی و محلی دادگاه صالح در رسیدگی به جرایم

نشریات دانشجویی

منظور از صلاحیت ذاتی، صلاحیتی است که قابل جابجایی نیست، صلاحیتی است که با نظم عمومی گره خورده، قوانین آن از جمله قوانین آمره بوده و در اجرا تغییرناپذیر است. تخلف از صلاحیت ذاتی موجب بطلان مطلق حکمی است که از آن حاصل می‌شود

(مدنی، ۱۳۷۶، ۴۵۹). در مواردی مقنن، برای مرتکبین برخی جرایم مثل کلاهبرداری، طبق ماده ۱ قانون تشدید مجازات کلاهبرداری، اختلاس و ارتشا، استفاده از مطبوعات و رسانه ها را برای فریب مردم و تحصیل مال نامشروع به عنوان عامل شدت جرم، تلقی کرده است و دادگاه صالح در رسیدگی به جرم کلاهبرداری را صالح به رسیدگی می داند نه دادگاه صالح در رسیدگی به جرم مطبوعاتی. همین حکم در مورد نشریات دانشجویی نیز صادق است و در صورت ارتکاب چنین جرمی به وسیله نشریه دانشجویی، صلاحیت ذاتی جرم مذکور (در صورت وجود) قابل اعمال است. در حالی که در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون آیین دادرسی مدنی تعریفی از صلاحیت ذاتی ارائه نشده است به ناچار به تعریف این عبارت در ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ رجوع می کنیم (مرتضوی، ۱۳۸۶، ۱۵۸).^{۱۷}

گاهی صلاحیت مراجع کیفری با توجه به خصوصیات متهم پرونده تعیین می شود. صلاحیت شخصی که در حقیقت استثنائی بر اصل می باشد، هنگامی مطرح می شود که افرادی چون رئیس جمهور، معاونان و وزرای دولت، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام،^{۱۸} روحانیون،^{۱۹} نظامیان^{۲۰} و سایر مقامات مرتکب جرمی شوند. در این موارد نیز به

۱۷- ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸ مقرر می کند: "صلاحیت دادگاه شهرستان نسبت به دادگاه استان و بالعکس و دادگاه های دادگستری نسبت به مرجع غیر دادگستری، صلاحیت ذاتی است."

۱۸- تبصره ماده ۴ اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱.

۱۹- ماده ۱۳ آیین نامه مربوط به نظریه صریحی که به وسیله ی مقام رهبری در پاسخ به استفتا دادسرا و دادگاه روحانیت در مهر ماه ۱۳۷۰ صادر شده است، بیان می کند که رسیدگی به کلیه جرایم و تخلفات سیاسی روحانیون که از طریق مطبوعات انجام می شود در آن مرجع، با حضور هیات منصفه و وکیل انجام شود و تشخیص علنی یا مخفی بودن رسیدگی با رییس دادگاه مذکور می باشد.

۲۰- طبق اصل ۱۷۲ قانون اساسی در صورتی که عمل مجرمانه مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی یا مرتبط با آن ها باشد در محاکم نظامی رسیدگی می شود. پس به جرایم عمومی نظامیان در مراجع عمومی رسیدگی می گردد (مثل اختلافات خانوادگی و...). اما اگر نظامیان از درجه سرتیپ و یا بالاتر باشند در دادگاه کیفری استان تهران به جرایم عمومی آن ها رسیدگی می شود. بنابراین جرایم مطبوعاتی نظامیان تا درجه سرتیپی، قطعاً در صلاحیت دادگاه کیفری استان مربوطه می باشد (نجفی توانا، ۱۳۸۸: ۷). از طرفی، دادگاه های نظامی صلاحیت رسیدگی به جرایم مطبوعاتی را ندارند زیرا با توجه به

مانند صلاحیت ذاتی در جرایم نشریات دانشجویی که پیش از این درباره‌ی آن صحبت شد، عمل می‌شود. از لحاظ اصولی، دادگاه محل وقوع جرم صالح به رسیدگی است. در امور جزایی، اصل بر صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم می‌باشد و از آنجایی که بحث جرایم نشریات دانشجویی مقوله‌ای جزایی است پس صلاحیت محلی اعمال می‌شود. اصل صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم، در مواد ۵۱ و ۵۲ آیین دادرسی کیفری آمده است. محل وقوع جرم در مورد نشریات مکان انتشار آن هاست چون این مکان، جزء نهایی رکن مادی جرم مطبوعاتی است.^{۲۱} البته منظور از مکان انتشار، مکانی است که نشریه از آن جا پخش و توزیع می‌شود. بنابراین تحویل آن به توزیع‌کنندگان عمده در مرکز پخش اصلی (محل چاپخانه) کافی است و همین مکان، محل وقوع جرم است (علی بخشی، ۱۳۹۰، ۹).

در نمونه‌ای منحصر به فرد در رویه‌ی قضایی کشورمان، یک نشریه دانشجویی قبل از چاپ در چاپخانه توقیف شد و سردبیر آن مورد محاکمه قرار گرفت. بدین شرح که، خانم ف.م دانشجوی دانشگاه آزاد تبریز و سردبیر نشریه دانشجویی "آذربایجان قادینی"، به دلیل چاپ ویژه‌نامه‌ای تحت عنوان "آذربایجان قادینی" (زن آذربایجانی) به مناسبت روز جهانی زن (۸ مارس)، در دادگاه انقلاب مرنده به اتهام تبلیغ علیه نظام محکوم شد.^{۲۲}

تعریف جرم نظامی به جرمی مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی، این تعریف اصولاً نمی‌تواند شامل جرایم مطبوعاتی شود.

۲۱- اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۷/۵۹۹۹ در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۹ در پاسخ به این سؤال که "اگر در مطبوعات ایران اتهامی به تبعه بیگانه نسبت داده شود، آیا نامبرده می‌تواند در مراجع قضایی ایران اعلام جرم کند یا خیر و چه دادگاهی صالح است؟" اظهار داشته است: در مورد سؤال، دادگاه کیفری در محل انتشار روزنامه، صالح به رسیدگی است و این که شاکی از اتباع ایرانی یا خارجی باشد، برای دادگاه تفاوتی ندارد (شهری، ۱۳۷۳: ۵۲۶).

۲۲- این فرد که در دادگاه انقلاب مرنده به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به شش ماه حبس محکوم شده بود، پس از اعتراض به حکم صادره از سوی دادگاه انقلاب، با تایید رای در شعبه ششم دادگاه تجدید نظر آذربایجان شرقی مواجه شد. وکیل مدافع ایشان از حکم قطعی به دیوان عالی کشور شکایت کرد که دیوان عالی نیز، شکایت اعاده دادرسی این وکیل را پذیرفت و با نقض حکم حبس، رسیدگی مجدد به شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر آذربایجان شرقی واگذار شد و در نهایت دادگاه تجدید نظر حکم بر براءة متهمه داد. در قسمتی از این حکم می‌خوانیم:

طبق ماده ۱۹ دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی، نشریات دانشجویی با مجوز قبلی می‌توانند در مکان‌هایی غیر از دانشگاه مبدأ توزیع شوند. حال اگر نشریه‌ای به طور همزمان در دو یا چند حوزه قضایی متفاوت منتشر و توزیع شود تکلیف صلاحیت محلی چیست؟ در این موارد به نظر می‌رسد باید دادگاهی را که مرکز اصلی انتشار نشریه در حوزه‌ی آن واقع است صالح بدانیم (یعنی محل دفتر مرکزی نشریه). اعمال این اصل در جرایم مستمر، مباحثی را به دنبال داشته است. بنابراین به دلیل این که در این خصوص در قانون و رویه قضایی تعیین تکلیف نشده است لذا، دکتین در مقام رفع خلا قانونی، عقیده به صلاحیت دادگاه‌های همه محل‌هایی دارد که جرم در آن‌ها استمرار داشته است و به علاوه، برای رفع هرگونه مشکل عملی، حق تقدم با دادگاهی است که رسیدگی را زودتر شروع کرده است. با این وصف به نظر نمی‌رسد اعمال این معیار در جرایم مطبوعاتی با مشکل خاصی مواجه باشد (جنیدی، ۱۳۸۲، ۲۸۲ و ۲۸۳).

همچنین در جرایم نشریات دانشجویی ممکن است در صلاحیت ذاتی و صلاحیت محلی، بین دو دادگاه اختلاف نظر پیش آید که مرجع حل تعارض در زمینه‌ی صلاحیت ذاتی همیشه دیوانعالی کشور است ولی مرجع حل اختلاف در صلاحیت محلی، دادگاه تجدیدنظر استان است مگر این که این دو دادگاه در حوزه‌ی یک استان نباشند که در این صورت، حل اختلاف در دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد (علی بخشی، ۱۳۹۰، ص ۲۰).

۲.۳. رویکرد رویه قضایی در مورد دادگاه صالح بر جرایم نشریات دانشجویی

رویه قضایی ما، نظریه‌ی صلاحیت دادگاه عمومی را پذیرفته است. بدین ترتیب که در مواردی که تخلف ارتكابی نشریه براساس قوانین موضوعه کشور جرم محسوب شود، کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی، به موضوع مربوطه رسیدگی می‌کند و می‌تواند تنبیهات انضباطی را در نظر بگیرد و در صورت صلاحدید می‌تواند مراتب را به دادگاه

"با عنایت به این که نشریه ممنوعه مورد بحث قبل از انتشار متوقف و جمع‌آوری شده است..... و در مرحله تکثیر و چاپ توسط مامورین انتظامی موضوع کشف و متوقف و ممانعت به عمل آمده است و توقیفی در توزیع آن به عمل نیامده است و عملیات انجام شده توسط ف.م تا زمان کشف موضوع و توقیف تکثیر و ممانعت از چاپ نشریه فاقد وصف جزایی به نظر اعضای این دادگاه بوده است..... به علت عقیم و ابتر ماندن عملیات انجام یافته تا زمان کشف موضوع و جرم نبودن آن عملیات، دادگاه..... حکم بر براءت متهمه از بزه انتسابی صادر می‌نماید."

صالحه ارجاع دهد. از سه مرجع مذکور در ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی، تنها کمیته ناظر بر ضوابط نشریات دانشجویی در این زمینه می‌تواند مداخله کند، آن هم تنها می‌تواند تصمیماتی در محدوده‌ی تنبیهات سیزده گانه مذکور در ماده ۴۰ دستورالعمل اجرایی بگیرد و برای اعمال مجازات بر مرتکب مجرم، باید وی به دادگاه عمومی ارجاع شود و در موارد خاص که در صلاحیت محاکم خاص باشد (دادگاه انقلاب، دادگاه ویژه روحانیت، دادگاه نظامی و...)، به آن محاکم ارجاع می‌شود.

همان‌طور که گفته شد ممکن است که علاوه بر اعمال تنبیهات از سوی کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی و کمیته انضباطی دانشگاه مذکور، مرتکب به واسطه‌ی همان عمل، در دادگاه‌های دیگر مورد رسیدگی قرار بگیرد. به عنوان مثالی برای این ادعا، می‌توان قضیه‌ی نشریه دانشجویی "فرهنگ مبارزه" دانشگاه صنعتی شاهرود در سال ۱۳۸۵، را ذکر کرد.^{۲۳} در این قضیه، کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی این دانشگاه، مجوز انتشار این نشریه را به طور دائمی لغو کرد. در ادامه کمیته انضباطی دانشگاه، مدیرمسئول این نشریه را برای دو نیم سال از تحصیل منع کرد و در نهایت هم دادگاه انقلاب شاهرود، این فرد را به دادگاه احضار کرد.^{۲۴}

بر این رویه‌ی رسیدگی به جرایم نشریات دانشجویی همواره اعتراضاتی نیز وجود داشت. مثال عینی آن در جلسه رسیدگی به اتهام ع.ص، دانشجوی سابق دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی و مدیرمسئول نشریه دانشجویی بامداد در سال ۱۳۸۵ که در شعبه

۲۳- <http://www.afarinesh-daily.com/afarinesh/News.aspx?NID=۱۰۸۸۵>

۲۴- کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه صنعتی شاهرود، مجوز انتشار نشریه دانشجویی "فرهنگ مبارزه" دانشگاه صنعتی شاهرود را به دلیل چاپ مقاله‌ی "فتح آخرین سنگر" در سال ۱۳۸۵ لغو دایم کرد. در حکم این کمیته آمده است: "این نشریه دانشجویی با استناد بر ماده ۲۷ قانون مطبوعات متخلف شمرده و مجوز انتشار آن، لغو دایم می‌شود و به استناد ماده ۳۹ دستورالعمل نشریات دانشجویی، مدیرمسئول نشریه جهت تصمیم‌گیری به کمیته انضباطی معرفی می‌شود. همان‌طور که می‌بینیم در این پرونده بر خلاف موارد دیگر دادگاه انقلاب با توجه به صلاحیت خویش، نسبت به جرم واقع شده به وسیله‌ی نشریه دانشجویی، به عنوان مدعی العموم وارد شده‌است و همان‌طور که در مباحث قبلی بیان شد پروسه تعیین شده برای رسیدگی به جرایم نشریات دانشجویی مانع صلاحیت عمومی دادگاه‌ها در رسیدگی به جرایم نخواهد بود."

۱۰۳۱ دادگاه عمومی تهران برگزار می‌شد مطرح شد. در این دادگاه وکیل مدافع متهم، به صلاحیت دادگاه ایراد کرد و عنوان کرد با توجه به اینکه پیش از این همین اتهام در کمیته انضباطی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی مورد رسیدگی قرار گرفته بود و نمی‌توان به یک اتهام در دو مرجع رسیدگی و اتخاذ تصمیم کرد و همچنین با توجه به این که در آیین‌نامه کمیته انضباطی دانشگاه نیز آمده است که تصمیمات این کمیته قطعی و لازم‌الاجراست، این دادگاه صلاحیت رسیدگی به این موضوع را ندارد. ولی دادگاه ایرادهای مطروحه وکیل متهم را وارد ندانست و به رسیدگی خود ادامه داد و قرار شد که نظر خود را اعلام کند.

همان‌طور که دیدیم ممکن است که تعقیب یک فعال نشریه‌ی دانشجویی در دو یا چند مرجع اداری و قضایی انجام شود و به طور ناباورانه‌ای، فرد مذکور هم به تنبیهی اداری و هم به مجازاتی کیفری محکوم شود.

ناباورانه‌تر این که، ممکن است بر چنین فعالی حتی چند حکم قضایی مختلف (مثلاً به سبب انتشار یک مقاله) بار شود. به عنوان نمونه، توقیف چهار نشریه دانشجویی دانشگاه امیرکبیر (ریوار، سحر، سرخط و آتیه) در سال ۱۳۸۶ قابل ذکر است. ۲۵

کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی دانشگاه امیرکبیر، این چهار نشریه را توقیف و پرونده را به کمیته انضباطی ارجاع داد. در ادامه سه دانشجوی دانشگاه امیرکبیر به اتهام تبلیغ علیه نظام و توهین به رهبری در دادگاه انقلاب محاکمه شدند. ۲۶ همچنین دادگاه

۲۵. http://www.aftabir.com/news/view/۲۰۰۸/apr/۱۶/c۱c۱۲۰۸۳۳۹۹۴۳_politics_iran_university.php

دهم اردیبهشت ۱۳۸۶ نشریات دانشجویی سر خط، سحر، ریوار و آتیه در سطح دانشگاه امیرکبیر پخش شد که در آنها علاوه بر مطالب توهین‌آمیز به مقدسات اسلامی و ائمه اطهار، هز و نوشته‌ای که در آن دختران عقیف چادری را به "کلاغان سیاه" تشبیه نموده بود، چاپ کاریکاتور رهبر معظم (سید علی خامنه‌ای) و انتقاد از ایشان را نیز به همراه داشت. پیامد این مقالات، اعلام عزای عمومی در دانشگاه امیرکبیر و تعطیلی یک روزه کلاس‌ها و تظاهرات دانشجویی متعددی بود. نکته جالب در این واقعه این بود که دست اندرکاران این نشریات اظهار بی‌اطلاعی از چاپ آن و ادعای جعل لوگوی آن را داشتند.

۲۶- احکام این سه نفر بدین صورت صادر شد: م.ت به اتهام تبلیغ علیه نظام ۱ سال و به اتهام توهین به رهبری ۲ سال حبس تعزیری، ا.ق به اتهام تبلیغ علیه نظام ۱ سال و به اتهام توهین به رهبری ۱/۵ سال حبس تعزیری، ا.م به اتهام تبلیغ علیه نظام ۶ ماه و به اتهام توهین به رهبری ۱/۵ سال حبس تعزیری.

انقلاب در خصوص اتهامات توهین به مقدسات و توهین به مراجع تقلید از خود سلب صلاحیت کرد و پرونده را به دادگاه عمومی ارجاع داد. دادگاه عمومی در همان سال، این دانشجویان را از اتهام توهین به مقدسات، توهین به حرم اهل بیت، توهین به مراجع، توهین به مردم شهرستان قم و شهر قم تبرئه کرد. اما از آن جا که این دانشجویان در زمان دستگیری، نیروهای بسیج دانشگاه را مسئول انتشار این نشریات دانستند، هر کدام از ایشان را به اتهام نشر اکاذیب به ۴ ماه حبس محکوم کرد.

از ۴۸ نشریه دانشجویی متوقف از فعالیت که در این پژوهش بررسی شده است، تنها ۵ پرونده به دادگاه ارجاع شده است و مابقی با اعمال تنبیهات کمیته ناظر خاتمه یافته است. احراز جرم در این پرونده‌ها، به وسیله‌ی کمیته ناظر، بسیار تأمل‌برانگیز است.

۳. صلاحیت رسیدگی به جرایم نشریات دانشجویی در حقوق بین‌الملل

برخی از دانشگاه‌ها در کشورهای دیگر نیز مراکز دانشگاهی دارند و فعالیت آموزشی می‌کنند. به عنوان مثال فرض کنید نشریه‌ای در واحد دبی (امارات) دانشگاه شهید بهشتی، مرتکب جرمی شود. در این حالت دادگاه صالح در رسیدگی به این جرم کدام است؟ البته فروض گوناگونی در این بحث مطرح می‌شود. اگر این نشریه در بخش مرکزی دانشگاه شهید بهشتی (در تهران) طبع و چاپ شود و سپس در واحد دبی (امارات) توزیع شود، هیچ بحثی باقی نمی‌ماند که دادگاه‌های ایران بر رسیدگی صالح‌اند. چون انتشار (به عنوان آخرین رکن مادی جرم) در ایران واقع شده است. اما حالتی را فرض کنید که این نشریه‌ی متخلف در واحد دبی طبع و منتشر شود و یا فرض کنید که بخشی از آماده‌سازی در ایران و بخشی دیگر در واحد دبی انجام شود. در این حالت دادگاه صالح کدام است؟

طبق ماده ۴ قانون مجازات اسلامی، هر گاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه‌ی آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج

در ادامه دادگاه تجدیدنظر نیز احکام این سه دانشجو را با تخفیفی جزئی، تایید کرد و این افراد به ترتیب به ۳۰ ماه، ۲۶ ماه و ۲۲ ماه حبس محکوم شدند. این سه نفر پس از گذراندن حدود ۱۵ ماه از حبسشان در عید مبعث ۱۳۸۷، مشمول عفو رهبری شدند و از زندان آزاد شدند.

و نتیجه‌ی آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است. پس اگر نشریه دانشجویی بیگانه‌ای که در دانشگاهی غیرایرانی (که محل فعالیت دانشگاه یا شعبات آن در ایران است) در ایران منتشر شده است، مرتکب جرمی شود، در دادگاه‌های ایران قابل رسیدگی می‌باشد و جالب‌تر این که طبق ماده ۵ قانون مجازات اسلامی ۲۷ اگر این جرم علیه نظام جمهوری اسلامی باشد، حتی اگر در خارج از کشور واقع شده باشد، دادگاه‌های ایران صالح به رسیدگی‌اند. پس در فرض اخیر حتی اگر شرط انتشار نشریه در ایران هم محقق نشده باشد، جرم در دادگاه‌های ایران قابل تعقیب می‌باشد.

قانون حل تعارض کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران، اصل صلاحیت سرزمینی را مورد تأیید قرار داده است. قانون‌گذار ایرانی در مقام افزایش صلاحیت دادگاه‌های داخلی، با الهام از تئوری‌های جدید آیین دادرسی کیفری، محل وقوع عنصر مادی جرم و محل حصول نتیجه، هر دو را ملاک برای قبول صلاحیت محاکم داخلی به شمار آورده است (آخوندی، ۱۳۸۶، ۲۳۲).

در موردی که بخشی از جرم در ایران و بخشی دیگر در کشور خارجی به وقوع پیوسته است ملاک مکان انتشار نشریه دانشجویی است. ولی در هر صورتی، اگر بین دو یا چند کشور، تنها یکی از آن‌ها خود را صالح بداند پس او صالح به رسیدگی است. در حالتی که نشریه دانشجویی به طور همزمان در هر دو کشور منتشر شده باشد، اگر هر دو کشور ملاک محل وقوع جرم را معیار قرار دهند، پس هر دو می‌توانند ادعای صلاحیت کنند.

۲۷- ماده ۵ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌کند: "هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شود: ۱- اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران".

نتیجه‌گیری

در اکثر تخلفات و جرایم مربوط به نشریات دانشجویی، دانشگاه‌ها تلاش دارند که با تنبیهات در نظر گرفته شده در دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی، قائله را خاتمه دهند تا در بدترین حالت خود به توقیف دائم نشریه و محروم کردن عوامل آن نشریه از فعالیت مطبوعاتی در دانشگاه و در مواردی اخراج دانشجو بینجامد و تمایلی به پیگیری مسئله در مراجع قضایی ندارند. اغلب نیز این موارد به دلیل داشتن شاکی خصوصی یا واکنش شدید مردم جامعه یا اهالی دانشگاه منجر به رسیدگی قضایی شده است. اکثر این تخلفات یا جرایم به دلیل بی‌تجربگی این افراد در زمینه فعالیت‌های مطبوعاتی می‌باشد و به همین دلیل اغلب نیت سوء از عمل ایشان برداشت نمی‌شود و شاید این عدم تمایل در ارجاع پرونده به مراجع قضایی نیز، از این حقیقت نشأت می‌گیرد. موضوع دیگری که در این باب قابل ذکر است این است که دستورالعمل اجرایی ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی مسئولیت مطلق مدیرمسئول را پذیرفته است که از این قاعده در رویه قضایی کشورمان عدول شده است و همانطور که در پرونده‌های مذکور دیدیم به مسئولیت دیگر دست‌اندرکاران نشریات دانشجویی نیز رجوع شده است. در این مقاله با دلیل اثبات کردیم که سه مرجع کمیته ناظر بر نشریات دانشجویی، شورای فرهنگی دانشگاه و شورای مرکزی ناظر بر نشریات دانشجویی مراجع قضایی نیستند، صلاحیت احراز جرم را ندارند، صالح در تعیین مجازات نیستند و در کل، در رسیدگی قضایی به جرایم نشریات دانشجویی صالح نیستند و صرفاً می‌توانند احکام اداری و به گفته دستورالعمل ضوابط ناظر بر نشریات دانشجویی، تنبیهاتی برای این نشریات و دست‌اندرکاران آن در نظر بگیرند. نگارندگان این مقاله نیز با فرضیه صلاحیت کیفری مراجع مذکور به شدت مخالفند و از میان دو نظریه باقیمانده بیشتر به نظریه صلاحیت دادگاه کیفری استان گرایش دارند و این نظریه را سازگارتر با رسالت این نشریات می‌دانند.

در عین حال، در ارجاع پرونده به مراجع قضایی توسط کمیته انضباطی، جرم ارتكابی توسط نشریه، براساس تناسب موضوعی، به دادگاه صالحه مربوطه منعکس می‌شود مثلاً اگر جرم مذکور تبلیغ علیه نظام و امثال آن باشد دادگاه انقلاب به آن رسیدگی می‌کند یا اگر مسائلی چون توهین، افتراء، نشر اکاذیب و امثال آن باشد در دادگاه‌های عمومی قابل

پی‌گیری می‌باشد. صلاحیت شخصی دادگاه‌ها نیز در این جا حائز ارزش است بدین ترتیب که مثلاً اگر شخص متهم به جرم در نشریه دانشجویی، روحانی باشد جرم در دادگاه ویژه روحانیت پی‌گیری می‌شود یا اگر دانشجوی مرتکب، فردی نظامی از درجه سرتیپ یا بالاتر باشد در دادگاه کیفری استان تهران به کلیه جرایم عمومی آن‌ها، رسیدگی می‌شود و همچنین اگر این دانشجو در احتمالی بعید از اعضای تشخیص مصلحت نظام یا مقامات یا معاونان رئیس جمهور یا وزیر دولت باشد، دادگاه کیفری استان تهران صالح است و در نهایت در اعمال صلاحیت محلی طبق ماده ۵۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، دادگاه محل وقوع جرم صلاحیت دارد و این دادگاه صالح را باید دادگاه محل انتشار نشریه دانست.

پس رسیدگی به کلیه جرایم و اتهامات ارتكابی نشریات دانشجویی از مرحله تحقیقات تا صدور کیفرخواست در صلاحیت دادرسی عمومی و انقلاب می‌باشد مگر در موارد استثنائی که رسیدگی به آنها به موجب قوانین خاص در صلاحیت مرجع دیگری (مثلاً دادگاه روحانیت یا دادگاه انقلاب) قرار گرفته باشد. دادرسی در مراحل مذکور صلاحیت در رسیدگی دارد. ضمناً صلاحیت هر دادرسی تابع صلاحیت دادگاهی است که در معیت آن انجام وظیفه می‌کند پس دادرسی در تمامی موارد صلاحیت موضوعی، شخصی و ذاتی دادگاه‌ها از آن‌ها تبعیت می‌کند.

منابع:

- ۱- خوندی، محمود (۱۳۷۸)، آیین دادرسی کیفری، تهران: انتشارات پایدار.
- ۲- آخوندی، محمود (۱۳۸۶)، آیین دادرسی کیفری (سازمان و صلاحیت مراجع کیفری)، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳- انصاری، باقر (۱۳۸۶)، حقوق ارتباط جمعی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- ۴- انصاری لاری، محمدابراهیم (۱۳۷۵)، نظارت بر مطبوعات در حقوق ایران، تهران: انتشارات سروش.
- ۵- بشریه، حسین (۱۳۷۶)، «ساختار جنبش دانشجویی»، ماهنامه ایران فردا، ۶ (۴).
- ۶- جنیدی، لعلیا (۱۳۸۲)، جنبه های کیفری آزادی بیان با تاکید بر جرایم مطبوعاتی، تهران: انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- ۷- ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۸۴)، مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۸- رستگار نامدار، حسین (۱۳۵۶)، «صلاحیت دادگاهها: صلاحیت ذاتی، صلاحیت محلی و صلاحیت نسبی، صلاحیت اضافی»، نشریه مهنامه قضایی، (۱۳۴).
- ۹- سوادکوهی فر، سام (۱۳۸۱)، «بحثی تطبیقی پیرامون رابطه مراجع قضایی با مراجع شبه قضایی»، مجله حقوقی دادگستری، (۴۱)، ۲۱۹-۲۰۶.
- ۱۰- شمس، عبدالله (۱۳۸۳)، آیین دادرسی مدنی، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۱- شهسواری، بهروز (۱۳۸۸)، «نقش مطبوعات در تحقق دموکراسی»، ماهنامه علمی تخصصی روابط عمومی ایران، (۶۹)، ۳۸-۴۰.
- ۱۲- شیخ الاسلامی، عباس (۱۳۸۰)، جرایم مطبوعاتی بررسی تطبیقی سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران و انگلیس، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۱۳- صالحیار، غلامحسین (۱۳۷۳)، «مطبوعات ایران و مشکل مطبوعات در ایران»، مجله دنیای سخن، (۶۲).

- ۱۴- صوفی آبادی، محمود (۱۳۸۸)، «نقد و بررسی صلاحیت دادگاه ها در جرایم مطبوعاتی»، مجله دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان، (۱۰)، ۲۴۶-۲۱۹.
- ۱۵- عسگری، محمدرضا (۱۳۵۰)، جزوه ی درسی حقوق مطبوعات، تهران: موسسه عالی علوم ارتباطات اجتماعی.
- ۱۶- علی بخشی، زهرا (۱۳۹۰)، «تعارض صلاحیت محاکم در جرایم مطبوعاتی از منظر حقوق ایران»، ماهنامه کانون، (۱۲۱)، ۱۵۹-۱۳۰.
- ۱۷- قاسمی، سیدفرید (۱۳۸۸)، سیر تاریخی مجموعه قوانین مطبوعاتی ایران، تهران: انتشارات امرو.
- ۱۸- قلندری، امیرهوشنگ (۱۳۸۵)، روزنامه نگاری در نشریات دانشجویی، تهران: انتشارات اداره نشریات دانشجویی.
- ۱۹- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، «تفسیر مفهوم اصل آزادی مطبوعات مطبوعات»، مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۲۰- کریمیان، علیرضا (۱۳۸۱)، جنبش دانشجویی در ایران از تأسیس دانشگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۲۱- گنج خان لو، مصدق (۱۳۸۷)، «آسیب شناسی هویت ملی در نشریات دانشجویی قومی»، مجله فرهنگ اندیشه، س ۷ (۲۶ و ۲۷)، ۱۱۷-۹۱.
- ۲۲- مدنی، جلال الدین (۱۳۷۶)، آیین دادرسی مدنی (سازمان قضایی جمهوری اسلامی ایران، مراجع قضایی عمومی، اختصاصی و داوری دعاوی صلاحیت)، تهران: انتشارات پایدار.
- ۲۳- مرتضوی، سعید (۱۳۸)، جرایم مطبوعاتی، تهران: چاپ و نشر بین الملل وابسته به موسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۲۴- ملک افضل، محسن (۱۳۸۷)، «جایگاه و اعتبار مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی»، فصلنامه حکومت اسلامی، (۴۸)، ۱۷۴-۱۴۴.
- ۲۵- نجفی توانا، علی (۱۳۸۸)، «جرایم مطبوعاتی و صلاحیت قضایی»، مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۲۶- نوروزی، کامبیز (۱۳۸۸)، «مقتضیات و حق های اساسی مطبوعات»، مجموعه مقالات همایش حقوق مطبوعات، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۲۷- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۷۱)، «تحلیل جرایم سیاسی و مطبوعاتی» مجله تحقیقات حقوقی، (۱۰)، ۱۴۵-۱۰۵.